

## رابطه کاهش سطح رفاه با اقدامات مجرمانه



کیوان هاشمی

قاضی دادگستری

فشار ناشی از کاهش سطح رفاه، به طبقات پایین دستی وارد می‌شود. در این شرایط، برخی افراد وقتی می‌بینند امکان ادامه معاش ندارند، به سمت ارتکاب جرم سوق پیدا می‌کنند که رایج‌ترین و راحت‌ترین آن سرقت است. قطعاً برای اغلب افرادی که اقدام به سرقت می‌کنند، می‌توان انگیزه شرافتمندانه در نظر گرفت. کسانی که در فاضلاب سرقت می‌کنند که البته من تایید نمی‌کنم، برداشت ما از چنین سرقتی نمی‌تواند این باشد که فرد می‌خواهد به اموالش اضافه‌کند، شاید هدف این است که شکمش را سیر کنند. علت تمایل برخی افراد به این نوع سرقت‌ها، مجازات ناچیز و شاک‌کم است. همان‌طور که اشاره کردم، پشت چنین اقداماتی می‌توان انگیزه‌هایی در نظر گرفت که زیاد به انگیزه مجرمان حرفه‌ای نزدیک نیست. در قانون، موضوعی تحت عنوان انگیزه شرافتمندانه وجود دارد که بر اساس آن اگر فردی در عسرت یا حرجی قرار داشته باشد و برای سیر کردن شکم خود قرص نان بدزد، به انگیزه ناشی از انجام این کار، انگیزه شرافتمندانه گفته می‌شود که در این حالت، بین او و فردی که خودرو سرقت می‌کند، باید تفاوت قائل شد. البته در این حالت باید فرد در شرایط اضطرار باشد و این موضوع برای قاضی ثابت شود. در این شرایط برای او می‌توان تخفیف قائل شد. این تصور نباید ایجاد شود که هر فردی با ادعای شرایط اضطرار می‌تواند عمل مجرمانه اش را توجیه کند.

من با نگاه برخی کارشناسان که معتقدند مجازات نشدن سارقان کلان باعث شده برخی افراد به سرقت‌های خرد رو بیاورند، موافق نیستم. ما از قدیم ضرب‌المثل تخم مرغ دزد، شتر دزد می‌شود را داریم و به همین دلیل معتقدم اگر با سارقان خرد برخورد نشود، به مجرمان کلان تبدیل خواهند شد. البته برعکس این امکان ندارد؛ زیرا ارتباطی بین این دو وجود ندارد. مجازات‌های تعیین شده نیز نمی‌تواند بی‌اثر باشد اما در کنار مجازات، حین و پس از آن، باید یک سری اقدامات ترمیم‌کننده وضعیت اجتماعی نیز در نظر گرفت. وضعیت اشتغال این افراد باید به‌گونه‌ای ساماندهی شود که حداقل مشکلی در سیر کردن شکم خود یا خانواده‌شان نداشته باشند. در این صورت مجازات موثر خواهد بود و مجرم بازگشت به گذشته نخواهد داشت.



می‌کند. حالا چرا چاقو می‌کشند؟ برای این که بیکار هستند. ۸۰ درصد تحصیل‌کرده‌های مان بیکار هستند و شاغلان هم دخل و خرج شان با هم نمی‌خواند. ببینید هیچ آدمی از اول دزد به دنیا نمی‌آید و اگر هم دزد شده، محصول شرایطی است که من و ما و افراد مسوول ایجاد کرده‌ایم. وقتی زیرساخت فرهنگی، اجتماعی، دینی و انسانی را نابود کرده‌ایم، مشخص است دزدی و فحشا تبدیل به فرهنگ جامعه می‌شود.

رئیس انجمن علمی مددکاری اجتماعی ایران راه برون‌رفت از این باتلاق را در شایسته‌سالاری و استفاده از افراد متخصص می‌داند که نسبت به عملکردهای خود حتی اشتباه، پاسخگو باشند. او تاکید می‌کند اگر می‌خواهید جامعه اصلاح شود، اسلامی و انسانی رفتار کنید.

دنبال سرقت نمی‌رود. معتادها را در جایی جمع می‌کنند، بعد از دو هفته هم رهایشان می‌کنند، اینها کجا بروند. گرفتن این افراد کاری ندارد اما آیا شغل داریم به معتادان بدهیم؟ خیر نداریم. اصلاً معتاد نمی‌تواند دزدی کند، مگر این که در خانه‌ای باز باشد و چیزی بردارد. این را من می‌گویم که ۶۰ سال در زمینه اعتیاد فعالیت کرده‌ام. معتاد کمترین آسیب‌رسان به جامعه است و اول از همه به خود آسیب می‌زند. سیستم ما ایراد دارد، چون اقدامات لازم را انجام نداده‌ایم. برطرف کردن علت‌ها زمان‌بر و کاربراست. درست‌مثل پیشگیری که دردسردارد اما هزینه‌اش کمتر است. ما بر اساس شایستگی، وظیفه و تخصص عمل نمی‌کنیم و فقط حرف می‌زنیم تا عده‌ای خوش‌شان بیاید. مردم با معتادان متجاهر مشکلی ندارند، با آنهایی مشکل دارند که با چاقو تهدیدشان

## برخوردهای قضایی و انتظامی، مسکن است

شرمندگی شروع می‌کنند و در ادامه تبدیل به سبک زندگی می‌شود.

۴. قیمت پیدا کردن اجناس بی‌ارزش سابق به علت کاهش ارزش پول ملی که بازار تقاضا و خرید اجناس دست‌دوم و حتی ضایعاتی را رونق بخشیده است.

چه باید کرد؟ برخوردهای انتظامی و قضایی شاید به عنوان مسکن عمل کنند ولی واقعیت آن است که تا رونق اقتصادی و اشتغال صورت نگیرد و موج شتابنده تورم و گرانی کنترل نشود، ما با افزایش مهاجرت و رشد اعتیاد در طبقه فرودست روبه‌رو خواهیم بود و شکم گرسنه و جیب خالی سخت می‌تواند پاینده ارزش‌های انسانی و وجدانی باشد. ضمن این که زندان‌ها هیچ جایی و بودجه‌ای برای نگهداری این جمعیت قابل توجه ندارند.

در حال حاضر مردم آموخته‌اند مثلاً ۱۰ درصد درآمد خود را برای این اتفاقات کنار بگذارند و دیگر زیاد فکر نکرده و به قول معروف اعصابشان خرد نشود ولی بی‌تفاوتی محض در برابر جرایم کوچک، باعث شروع رشد در جرایم بی‌پروا و خشن و بزرگ‌تر خواهد شد پس باید برای آن راه چاره‌ای اندیشید.

سوال آخر این که پیامدهای سرقت‌های خرد و دله‌دزدی چیست این ناامنی‌ها به شدت احساس امنیت را در جامعه مخدوش می‌کند و باعث استرس اجتماعی می‌شود، ضمن این که آسیب کوچک می‌تواند آسیب‌های بزرگ و خطرناک‌تری را به افراد بی‌گناه تحمیل کند. فردی که درپوش فاضلاب را در خیابان سرقت می‌کند، باعث می‌شود رهگذری در شب تاریک به داخل چاه سقوط کند و سلامت یا جان خود را از دست بدهد. فردی که کابل تلفن را سرقت می‌کند، دسترسی مادری پیر و کم‌سواد را به فرزندانش در مواقع اورژانسی قطع می‌کند.

پس با گسترش تامین اجتماعی و با تربیت هوشمندانه طبقه در معرض آلودگی از وقوع این سونامی پیشگیری کنیم.



دکتر رضا غلی‌لو

جرم‌شناس و امنیت پژوه

از من خواسته شد تحلیلی در خصوص چرایی افزایش سرقت‌ها و دزدی‌های خرد و کوچک بنویسم و من پرسیدم از کجای دانید افزایش یافته است؟ گفتند هر روز شاهد وقوع این جرایم خرد هستیم. البته قصد من از این کار افزایش نبود بلکه می‌خواستم به نکته مهمی اشاره کنم که مغفول مانده است. امروزه به علت بروکراسی اداری و تشریفات قضایی اصولاً کمتر کسی برای مالباختگی‌هایی مانند سرقت کفش از آپارتمان‌ها و مساجد و مواد غذایی اندک و کوچک مغازه‌ها و حتی جیب‌بری در اتوبوس‌ها و سرقت اموال عمومی مانند سطل‌های زباله، درپوش

فاضلاب و... حاضر است وقت تلف کرده و شکایت کند. همین باعث می‌شود به قول جرم‌شناسان رقم سیاه این جرایم مثلاً ۱۰ برابر آن چیزی باشد که توسط پلیس و دادسراها ثبت می‌شود.

اگر چنین است علل فراوانی این جرایم خرد چیست؟ چه باید کرد؟ پیامدهای این روند رو به گسترش چه می‌تواند باشد؟

بدون در نظر گرفتن اولویت‌ها و وزن دهی به دلایل در چارچوب یک مدل مربع‌شکل، می‌توان علل افزایش را تحلیل کرد.

۱- حساسیت نداشتن دستگاه‌های مسوول و عاطفه عمومی به این‌گونه سرقت‌ها تحت این عنوان که آقا وقت ما را نگیرید، مسائلی مهم‌تر برای رسیدگی وجود دارد یا این که شما هم وقتی اضافه داری که می‌خواهی مثلاً یک ماه بروی و بیایی تا کفش یا ضبط ماشینت پیدا بشود! ۳- در دسترس بودن اموال در سرقت‌های کوچک مانند آنتن خودروها یا کفش رفتن یک بسته از مغازه شلوغ، که نیاز به مهارت خاصی ندارد.

۳- نیاز فوری به پول اندک خصوصاً از سوی معتادان و گاهی افراد بیکار صاحب فرزند که ابتدا با